زوم

چرا سریال پرخرج و پرستاره «هزار و یک شب» ناکام ماند؟

مرجان فاطمی| سریال «هزار و یک شب» به کارگردانی مصطفی کیایی، بر مبنای ایده اولیه قدرتمندی شکل گرفت و سازندگانش با چشم‌انداز تبدیل کردن آن به اثری فاخر، قدم در راه تولید گذاشتند و حتی برای رسیدن به این هدف، به سراغ ستاره‌های مطرح سینما رفتند. با این حال برخی مسائل موجب شده «هزار و یک شب» برخلاف انتظار، با وجود ظرفیت‌های زیادی که دارد، تا نیمه راه نتواند توفیق آنچنانی بدست بیاورد. فقط آن دسته از مخاطبانی که صبوری کرده و در تماشای سریال مداومت به خرج داده‌اند، به ارتباط اصلی این اثر با داستان‌های هزار و یک شب رسیده و توانسته‌اند معنای مدنظر کارگردان و نویسنده را دریابند، در حالی که اگر به جای زمینه‌چینی طولانی و پرداختن به انواع و اقسام خرده‌روایت‌های پیرامونی، مخاطبان از همان ابتدا با اصل ماجرا مواجه می‌شدند، جذابیت سریال نهفته نمی‌ماند و با قدرت بیشتری پیش می‌رفت.

■گم شدن جذابیت هزار و یک شب

یکی از ویژگی‌های سریال «هزار و یک شب»، ارتباط میان دنیای واقعی با دنیای افسانه‌ای هزار و یک شب است. ما ابتدای قسمت اول، با یک فضای تاریخی در دنیای هزار و یک شب مواجه می‌شویم و درست وقتی کنجکاو شده‌ایم تا در این فضای جدید، داستانی را پی بگیریم، داستان به زمان حال می‌آید و تا چند قسمت ارتباطمان کامل با آن حال و هوای اولیه قطع می‌شود. در واقع کارگردان برگ برنده اصلی‌اش را تا اواسط سریال پنهان می‌کند و از مخاطبانش می‌خواهد برای رسیدن به این بخش جذاب صبوری کنند.

تازه پس از ۱۶-۱۵ قسمت، داستان وارد فضای هزار و یک شبی می‌شود؛ زمانی که شاید بخشی از مخاطبان همراهیشان را از دست داده‌اند. «هزار و یک شب» سریال پرخرجی است. دکورهای جذابی دارد و کاملاً مشخص است که کارگردان در ساخت فضاهای مرتبط با دوره هزار و یک شب؛ چه به لحاظ طراحی صحنه و لباس و چه شیوه روایت موفق عمل کرده است. با این حال استتار این برگ برنده تا اواسط سریال، به ضرر پروژه تمام شده است.

■روایت باستانی مشکلات امروز

سریال قصد دارد میان فضای داستان‌های هزار و یک شب با زندگی زنان در دنیای امروز رابطه‌ای برقرار کند؛ زنانی که گرچه در دنیای مدرن امروز توسط شهریار به مسلخ نمی‌روند، اما هزار و یک واقعیت تلخ در زندگیشان موجب شده تا مرز انتحار پیش بروند. از نیمه سریال به بعد فضا به سمتی می‌رود که شخصیت نیلوفر به جای شهرزاد به محضر پادشاه می‌رود و برای جلوگیری از قتل دختران، شروع می‌کند به داستان‌سرایی. این داستان‌ها، روایت زندگی واقعی دخترانی است که شاه زمان آن‌ها را از خودکشی منصرف کرده است. نیلوفر، داستان زندگی این دختران را به شیوه کهن روایت می‌کند و ما همزمان با این روایت، وارد داستان امروزی هر یک از آن‌ها می‌شویم. این بخش از سریال «هزار و یک شب» به نسبت تمام ماجراهای قبل جذاب‌تر است اما در پرداخت، توجه چندانی به آن نشده است. هم به لحاظ زمانی بسیار دیر به این بخش می‌رسیم و هم به دلیل استفاده از بازیگران آماتور ماجراها آن قدری که باید قوام پیدا نمی‌کنند. «هزار و یک شب» بازیگران مطرح بسیاری دارد اما از آن‌ها در بخش‌های دیگری استفاده شده و در این بخش جذاب، جای این بازیگران خالی است. به‌طور کلی «هزار و یک شب» اثری است که برای تولید آن به ویژه در حوزه بصری زحمت کشیده شده و حرف‌هایی برای گفتن دارد. آن‌هایی که صبوری کرده‌اند و هر هفته همراهیشان را با سریال ادامه داده‌اند، توانسته‌اند راز این جذابیت را درک کنند و طبیعتاً سرنوشت این شخصیت‌ها برایشان اهمیت زیادی پیدا کرده است. با این حال شاید اگر شیوه روایت متفاوت‌تر پیش می‌رفت، مخاطبان بیشتری با آن همراه می‌ماندند.

گفت‌وگو با بهرنگ علوی، بازیگر سریال «صفا با خانواده» که این شب‌ها روی آنتن شبکه یک است

پرداختن به جنگ در قالب کمدی ریسک بزرگی بود

نیایش احمدی| بهرنگ علوی پس از سال‌ها دوری از قاب تلویزیون، با سریال «صفا با خانواده» بار دیگر به رسانه ملی بازگشته است؛ حضوری که به گفته خودش بیش از هر چیز به جذابیت نقش و دعوت محسن تنابنده گره خورده بود. او در این گفت‌وگو از تجربه بازی در این مجموعه، دشواری‌های ایفای نقش، چالش‌های سانسور و دلایل فاصله گرفتنش از تلویزیون سخن می‌گوید.

سریال «صفا با خانواده» مجموعه‌ای کمدی-اجتماعی به کارگردانی منوچهر هادی و تهیه‌کنندگی مصطفی تنابنده است که از پنجم خردادماه روی آنتن رفته و هر شب ساعت ۲۲ از شبکه یک سیما پخش می‌شود. این سریال با محوریت خانواده و در بستری از موقعیت‌های طنز، داستان مردی به نام «صفا» را روایت می‌کند که ناخواسته درگیر ماجراهایی پیچیده و غیرمنتظره می‌شود.

■چرا بازی در سریال «صفا با خانواده» را پذیرفتید؟

من پس از هفت یا هشت سال به تلویزیون بازگشتم. آخرین سریالی که در تلویزیون بازی کردم، «سرزده» بود که در مشهد ساخته شد و در آن با زنده‌یادان علی انصاریان و بهادر اسدی هم‌بازی بودم. برای حضور در این کار، به دعوت محسن تنابنده آمدم. از آنجا که قصه، ایده و طرح اولیه این سریال متعلق به آقای تنابنده است، ایشان از من خواستند به پروژه ملحق شوم. نقش را برایم توضیح دادند و وقتی دیدم شخصیت و فضای آن جذاب و چالش‌برانگیز است، حضور در این مجموعه را پذیرفتم.

■علت این فاصله از فضای تلویزیون چه بود؟

چند علت موجب به وجود آمدن این فاصله شد و این موضوع فقط به منِ بهرنگ علوی مربوط نمی‌شود؛ شاید بسیاری از هنرمندان دیگر نیز با این مسئله درگیر بوده‌اند. من شخصاً در بسیاری از سریال‌های خوب، پربیننده و موفق تلویزیون حضور داشتم؛ آثاری که به خواست مخاطبان، ظرفیت ساخت فصل‌های دوم و سوم را هم داشتند، اما این اتفاق رخ نداد. در برخی پروژه‌ها از جمله آثار تاریخی، دست‌کم چهار سال درگیر فیلم‌برداری بودیم، اما در نهایت هیچ‌گونه قدردانی شایسته‌ای صورت نمی‌گرفت. من هرگز به دنبال تشویق یا کسب جایگاه خاصی نبودم، اما وقتی با تلویزیون، به‌عنوان رسانه ملی، همکاری می‌کنید و می‌بینید یک اثر تا این اندازه مخاطب جذب می‌کند و از کارگردانی، قصه، بازی‌ها و در مجموع از کل مجموعه استقبال می‌شود، حداقل انتظار دارید آن احترام لازم از سوی مدیرانی که در گذشته و امروز مسئولیت داشته‌اند، وجود داشته باشد.

نکته دیگر این است که شما اثری را تولید می‌کنید که فیلم‌نامه آن از قبل تصویب شده است. بر اساس همان فیلم‌نامه کار می‌کنید و در نهایت برای نقش خود طراحی و شخصیت‌پردازی انجام می‌دهید؛ درست مانند شخصیت جمشید انگجی در سریال «صفا با خانواده». ما یک طراحی کلی برای نقش داریم، اما وقتی می‌بینیم نتیجه کار پس از تولید دستخوش سانسور می‌شود، خستگی تمام آن زحمات بر تن آدم می‌ماند. با خودمان می‌گوییم این مشکلات را در ساتر نداریم، یا اگر هم وجود داشته باشد، بسیار کمتر است. در سینما نیز شرایط به همین شکل است. این مسئله بیشتر در تلویزیون اتفاق می‌افتد؛ جایی که گاهی اثری که با دقت و ظرافت ساخته شده، دچار حذف و تعدیل‌های فراوان می‌شود. متأسفانه در مورد نقش من در «صفا با خانواده» بیشتر این اتفاق افتاد و سانسورها زیاد بودند.

■آیا این سانسورها به خود سریال و محتوا هم آسیب زد؟

این شخصیت به دلیل بیماری و سوندی که به او متصل است، موقعیت‌های مختلفی برای خلق شوخی‌های بامزه و جذاب داشت که ما آن‌ها را در طول داستان طراحی کرده بودیم، اما متأسفانه بخش زیادی از آن‌ها سانسور شد و این موضوع به کار آسیب زد. برخی دیالوگ‌ها نیز حذف شدند؛ از جمله اشاره به نام علی دایی که مردم او را دوست دارند و یک قهرمان ملی محسوب می‌شود. اگر سیاست تلویزیون این است که به سمت آشتی ملی حرکت کند، مردم را دور هم جمع کند و وفاق ملی را تقویت کند تا مخاطب دوباره به آن اعتماد کند و به تماشای برنامه‌هایش بازگردد، باید در عمل نیز این رویکرد را نشان دهد. حداقل انتظار ما این بود که چون این سریال قرار بود مجموعه نوروزی امسال باشد و حتی آقای جبلی نیز در جلسات هیئت دولت دو بار درباره آن صحبت کرده و گفته بودند مردم در ایام نوروز منتظر یک سریال کمدی با موضوع جنگ ۱۲روزه باشند، نگاه متفاوتی نسبت به آن وجود داشته باشد. البته موضوع فقط من بهرنگ علوی نیستم. بسیاری از هنرمندان دیگر نیز همین نگاه را دارند. اگر در این سریال از برخی محدودیت‌ها عبور می‌شد آن هم در مواردی که اساساً خط قرمز محسوب نمی‌شوند و دست سازندگان برای بیان برخی مسائل کمی بازتر بود، می‌توانست سبب تشویق دیگر هنرمندان و فیلمسازان شود تا دوباره به تلویزیون بازگردند و برای آن کار تولید کنند.

■راهکار جذب مخاطب از نظر شما چیست؟

مردم بارها نشان داده‌اند تصمیم‌گیرنده نهایی هستند. گاهی تیم ملی شکست می‌خورد، اما مردم به خیابان می‌آیند و می‌گویند: «عیبی ندارد، بچه‌ها عالی بودند. اشکالی ندارد که باختیم، ما به این تیم افتخار می‌کنیم». در مقابل، مواقعی هم بوده که تیم ملی پیروز شده، اما مردم واکنش خاصی نشان نداده‌اند. تفاوت این دو اتفاق در نتیجه بازی نیست؛ در احساس و ارتباطی است که مردم با آن تیم برقرار کرده‌اند. در نهایت، هیچ کس نمی‌تواند در برابر انتخاب و تصمیم مردم بایستد. شما ناچارید به سلیقه، خواست و قضاوت مخاطب احترام بگذارید، زیرا این مردم هستند که در نهایت تعیین می‌کنند چه چیزی موفق شود و چه چیزی از سوی آن‌ها پذیرفته نشود.

> شما ناچارید به سلیقه، خواست و قضاوت مخاطب احترام بگذارید، زیرا این مردم هستند که در نهایت تعیین می‌کنند چه چیزی موفق شود و چه چیزی از سوی آن‌ها پذیرفته نشود

■در نمایش خانگی چطور؟ آیا این نگاه در پلتفرم‌ها هم وجود دارد؟

وجود دارد؛ نمی‌توان گفت چنین نگاهی در پلتفرم‌های نمایش خانگی اصلاً دیده نمی‌شود، اما میزان آن در مقایسه با تلویزیون بسیار کمتر است.

امروز مخاطب با حجم گسترده‌ای از رسانه‌ها و ابزارهای سرگرمی مواجه است؛ از شبکه‌های اجتماعی گرفته تا یوتیوب، اینستاگرام و انواع پلتفرم‌های محتوایی. در چنین شرایطی، جذب مخاطب و نشاندن او پای تلویزیون برای تماشای یک سریال ۵۰ قسمتی کار ساده‌ای نیست. اگر قرار است رسانه‌ای در رقابت با این حجم از محتوا و امکانات همچنان مخاطب خود را حفظ کند، ناچار است خود را با شرایط روز هماهنگ و به‌روز کند. در غیر این صورت، طبیعی است که بخش قابل توجهی از مخاطبان به سمت رسانه‌ها و پلتفرم‌های دیگری بروند که ارتباط بیشتری با نیازها و سلیقه‌های امروز آن‌ها برقرار می‌کنند.

■مهم‌ترین چالش شما در ایفای این نقش چه بود؟

بزرگ‌ترین چالش من در این نقش، گریم سنگین آن بود. هر روز حدود ۲/۵ ساعت زیر گریم بودم و واقعاً سخت‌ترین بخش کار برایم همین موضوع بود. متن‌های جذاب و به‌اصطلاح «خوشمزه‌ای» توسط نویسندگان، آقایان کایدان و کریمی نوشته شده بود و این موضوع کار را برای بازیگران دلنشین‌تر می‌کرد. همچنین از همکاری با منوچهر هادی بسیار لذت بردم. این نخستین تجربه همکاری من با آقای هادی بود و باید بگویم ایشان به بازیگران آزادی عمل زیادی می‌دهند، ایده‌های خوبی در صحنه مطرح می‌کنند و به‌شدت فضای کار را گرم، صمیمی و پرانرژی نگه می‌دارند.

به نظرم مهم‌ترین عنصر این سریال، موضوع خانواده بود. روابط میان اعضای خانواده و شیمی بین شخصیت‌ها به‌خوبی شکل گرفته بود و میان بازیگران نیز تعامل و پاسکاری بسیار خوبی وجود داشت. این هماهنگی نه‌تنها میان بازیگران، بلکه در بخش کارگردانی و عوامل پشت صحنه نیز دیده می‌شد.

در بخش گریم نیز تیم مرتضی کهزادی کار فوق‌العاده‌ای انجام داد. طراحی این چهره با پیشنهاد محسن تنابنده شکل گرفت تا به این تیپ و ظاهر برسیم. اجرای آن دشوار بود، اما خوشبختانه گریم به‌خوبی روی چهره نشست و نتیجه مطلوبی بدست آمد.

همچنین همکاری با احمد مهرانفر برای من تجربه‌ای آشنا بود. این سومین همکاری ما محسوب می‌شد و پیش از این نیز در دو فیلم سینمایی کنار هم کار کرده بودیم. او بازیگری بسیار حرفه‌ای و همکاری فوق‌العاده است. چه از نظر اخلاق حرفه‌ای، چه در تعامل با هم‌بازی‌ها و چه در ارائه پیشنهادها و ایده‌های خلاقانه، همیشه حضور مؤثری دارد. به همین دلیل، کار کردن در کنار او برای من تجربه‌ای شیرین و لذت‌بخش بود.

■پس از پایان سریال صفا با خانواده، دوست دارید چه چیزی در ذهن مخاطبان باقی بماند؟

پرداختن به موضوع جنگ در قالب یک اثر کمدی، ریسک بسیار بزرگی بود. معمولاً وقتی صحبت از جنگ می‌شود، نخستین ایده‌ای که به ذهن نویسنده یا کارگردان می‌رسد، پرداختن به چالش‌ها، مصائب و مشکلات آن است. اما اینکه موضوع جنگ دستمایه یک اثر کمدی قرار بگیرد و بتوان با آن شوخی کرد، جسارت و ریسک بالایی می‌طلبد. این ایده از خوش‌فکری محسن تنابنده آمد که نگاه متفاوت و جالبی به موضوع داشت.

فضای کمدی این امکان را فراهم می‌کند که بخشی از مشکلات و مسائل اجتماعی را با زبان طنز مطرح و نقد کنیم. برای مثال، وقتی بحرانی پیش می‌آید و مردم برای سوخت به پمپ‌های بنزین هجوم می‌برند و صف‌های طولانی تشکیل می‌شود، ما سعی کردیم نمونه‌ای از این رفتارها را در قالب یک سکانس طنز، مثلاً در صف نانوایی و خرید بیش از نیاز نان به تصویر بکشیم و درباره آن حرف بزنیم. به اعتقاد من، درباره این مسائل اجتماعی می‌توان با زبان کمدی و طنز بهتر صحبت کرد؛ هم آن‌ها را به تصویر کشید و هم مورد نقد قرار داد. البته به شرط آنکه اثر دستخوش سلیقه‌های شخصی و نگاه‌های محدودکننده نشود. وقتی بخش‌هایی از یک اثر حذف یا دچار تغییرات گسترده می‌شود، گاهی به ساختار آن آسیب می‌رسد، روایت ضربه می‌خورد و قصه برای مخاطب ناقص یا نامفهوم جلوه می‌کند.

■در این مدت بسیاری از هنرمندان در میدان بودند، اما در مقابل عده‌ای هم سکوت کردند. با توجه به اینکه شما هم دغدغه‌مند بودید و همزمان سریالی روی آنتن داشتید، نگاهتان به این موضوع چیست؟

به نظر من، آدم‌ها با کار و فعالیت حرفه‌ای خود بهتر می‌توانند حرف بزنند و تأثیرگذار باشند. یک اظهار نظر شخصی، در نهایت فقط یک دیدگاه شخصی است، اما هر فرد در حوزه و جایگاه تخصصی خود می‌تواند پیامش را به شکلی مؤثرتر منتقل کند. ما زبان و ابزار کارمان سینما و هنر است و از طریق همین زبان می‌توانیم حرف بزنیم و اثر بگذاریم. یک نفر با موسیقی، دیگری با سینما، فردی در عرصه سیاست و شخصی دیگر در حوزه خبر و رسانه فعالیت می‌کند.

هر کسی در جایگاه خود می‌تواند نقش‌آفرین باشد و دیدگاهش را بیان کند.

من فکر می‌کنم سوژه‌ای که محسن تنابنده برای این سریال انتخاب کرد، یکی از بهترین موضوعاتی بود که می‌شد درباره آن کار کرد. ما تلاش کردیم با زبان کمدی به موضوع جنگ بپردازیم و از این زاویه درباره آن حرف بزنیم. به اعتقاد من، این اثر توانست پیام خود را به شکلی مؤثر منتقل کند و نشان دهد حتی درباره موضوعات جدی و حساس نیز می‌توان از ظرفیت طنز برای گفت‌وگو، نقد و طرح مسائل اجتماعی استفاده کرد.

آگهی مفقودی مدرک تحصیلی ۱۴۰۵۰۳۶۴۷
مدرک دانشنامه پایان تحصیلات اینجانب حانیه علیجان نژاد بائی فرزند محمد علی به شماره ملی ۰۹۲۰۴۵۴۰۱۱ در مقطع تحصیلی کاردانی پیوسته رشته کامپیوتر صادره از واحد دانشگاهی آزاد اسلامی مشهد -واحد سماء مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می باشد. از یابنده تقاضا میشود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد ،اداره دانش آموختگان ارسال نمایید.

آگهی مفقودی مدرک تحصیلی ۱۴۰۵۰۳۶۳۹
گواهینامه مدرک موقت پایان تحصیلات کارشناسی اینجانب مهسا ارجمند فرزند مسعود به شماره ملی ۰۹۲۳۳۷۵۷۹۱ در رشته شهرسازی صادره از دانشگاه آزاد اسلامی مشهد مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می باشد.از یابنده تقاضا میشود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحدمشهد ،اداره دانش آموختگان ارسال نماید.

آگهی مفقودی مدرک تحصیلی ۱۴۰۵۰۳۶۳۸
گواهینامه مدرک موقت پایان تحصیلات کارشناسی ارشد اینجانب سمانه محمدیان فرزند مهدی به شماره ملی ۰۹۴۶۹۰۸۶۸۰ در رشته شیمی صادره از دانشگاه آزاد اسلامی مشهد مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می باشد.از یابنده تقاضا میشود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحدمشهد ،اداره دانش آموختگان ارسال نماید.

آگهی مفقودی ۱۴۰۵۰۳۵۶۶
برگ سبز موتور سیکلت آذرخش تیپ کد سانی CG۱۲۵ به رنگ نقره ای مدل ۱۳۸۷ به شماره پلاک ۳۸۱۶۸/۷۷۹ به شماره موتور ۰۰۱۹۹۴ و شماره تنه NC۷***۱۲۵A۸۷۰۶۴۷۵ به نام یاسین سبحانی مفقود شده و فاقد اعتبار است.

آگهی مفقودی ۱۴۰۵۰۳۵۷۴
برگ سبز موتورسیکلت بلنتا مدل ۱۴۰۱ رنگ سبز به شماره موتور ۰۲۴۹N۱B۰۰۰۱۴۱ و شماره تنه N۱BSNLJHZN۱H۰۰۱۵۳ و شماره پلاک ۹۹۳۵۳ ایران ۸۶۵ بنام ایوب ثمره مفقود و فاقد اعتبار می‌باشد.

آگهی مفقودی ۱۴۰۵۰۳۵۵۵ ف
برگ سبز و سند کمپانی و کارت موتورسیکلت هندا روان به شماره انتظامی ۷۶۳-۹۶۴۹۷ و شماره شاسی MT۴A۲W۳۳۶۷B و شماره موتور N۳HKTAD۱CEEP۰۲۰۱۴ بنام آقاخان احمدی مفقود و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

آگهی مفقودی ۱۴۰۵۰۳۵۷۹
برگ سبز خودرو سواری هاچ بک سیستم ۲۰۷iAT تیپ ۲۰۷iTU۵PA مدل ۱۴۰۵ پلاک ۳۶ ایران ۳۳۸ ق ۴۸ به شماره شاسی NAAR۴۳H۵ETDP۷۹۶۵۳ وشماره موتور ۱۸۵B۰۱۷۶۳۷۵ به مالکیت اسماالبرزنژاد عبدالزهی مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط است.

آگهی مفقودی ۱۴۰۵۰۳۵۵۸ ف
برگ سبز و سند کمپانی و کارت موتورسیکلت هندا روان به شماره انتظامی ۷۶۳-۹۶۴۹۷ و شماره شاسی MT۴A۲W۳۳۶۷B و شماره موتور N۲D۱۲۵E۸۶۵۵۲۱۵ و شماره موتور V۱۳۸۲۸۰۶ بنام محمد حسین محمدی بیدابید به شماره ملی ۵۲۲۹۸۹۵۰۵۵ مفقود و اعتبار ندارد

آگهی مفقودی ۱۴۰۵۰۴۵۸۰ ف
برگ سبز خودرو سواری ساینا مدل ۱۴۰۴ رنگ سفید روغنی به شماره موتور M۱۵۵۵۱۳۴۳۷ و شماره شاسی NAS۸۵۱۱۰۰S۵۸۲۳۳۷۶ و شماره پلاک ۳۲۷ن۳۷ ایران ۷۴ بنام فاطمه رجب زاده مفقود و فاقد اعتبار می‌باشد.

آگهی مفقودی ۱۴۰۵۰۳۵۵۰ ف
برگ سبز کامیون کشنده ولوو به شماره پلاک ۶۶۳ ع ۶۹ و شماره موتور D۱۳۹۱۴۳۳۴۰ و شماره شاسی YV۲RTY۰A۶KB۹۱۷۷۶۸ بنام اویس براتی الهی مفقود واز درجه اعتبار ساقط میباشد.

آگهی مفقودی ۱۴۰۵۰۳۵۷۲ ف
سند مالکیت (برگ سبز) و کارت شناسایی موتورسیکلت پیشتاز ۱۵۰cc مدل ۱۳۸۹ به رنگ قرمز و شماره موتور NEG۱۰۸۲۷۵۲ به شماره تنه NEG***۱۵۰A۸۹۰۰۴۷۵ وشماره پلاک ۷۶۳ _ ۸۵۹۲۹ به مالکیت حسن فشائی مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط گردیده است

آگهی مفقودی ۱۴۰۵۰۳۵۷۵ ف
برگ سبز موتور سیکلت سیستم ۱۲۵CC رنگ نقره ای مدل ۱۳۸۶ به شماره شهربانی ۷۴۳۲۳ ایران ۷۷۹ و به شماره موتور BP۱۰۶۶۴۷۲ و شماره تنه NBF***۱۲۵A۸۶۶۳۷۷۲ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌گردد.

آگهی مفقودی ۱۴۰۵۰۳۵۶۲ ف
برگ سبز و سند کمپانی و کارت موتورسیکلت نامی ۱۲۵ به شماره انتظامی ۷۷۹-۴۳۹۸۶ و شماره شاسی ۹۰۰۳۰۳۱ و شماره موتور ۱۰۰۳۶۲۴ بنام سعید بداغی شماره ملی ۲۰۳۲۰۶۹۲۸۸ مفقود و اعتبار ندارد.

آگهی مفقودی ۱۴۰۵۰۳۵۴۲ ف
برگ سبز خودرو اتوبوس - بیابانی اسکانیا تیپ عقاب ۴۲۱۲ مدل ۱۳۸۴ به رنگ سفید - سبز - روغنی به شماره موتور ۶۱۵۳۰۴۱۰ به شماره شاسی ۳۵۶۱۶۲۲ به شماره پلاک ۴۷۴ ع ۸۱ ایران ۸۵ به مالکیت بشیر مبارکی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد/ ایرانشهر

آگهی مفقودی ۱۴۰۵۰۳۵۴۱ ف
برگ سبز خودرو سواری سمند تیپ ایکس۷ مدل ۱۳۸۳ به رنگ بژ به شماره موتور ۱۲۴۸۳۱۲۷۷۲۱ به شماره شاسی ۸۳۲۴۰۵۶۸ به شماره پلاک ۸۱۷ ق ۶۵ ایران ۹۵ به مالکیت حسام جدگال مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد ایرانشهر

آگهی مفقودی ۱۴۰۵۰۳۵۲۷ ف
برگ سبز تراکتور کشاورزی ۴۷۵ITM جفت مدل ۹۹ به رنگ قرمز به پلاک انتظامی ۶۶۸ ک ۹۴ ایران ۱۴ شماره موتور ۰۶۴۲J شماره شاسی W۰۶۷۴۲ به مالکیت سعید ربیع نژاد مفقود و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

آگهی مفقودی ۱۴۰۵۰۳۵۲۸ ف
برگ سبز تراکتور سیستم ITM تیپ ۴۷۵ مدل ۱۳۹۳ به شماره پلاک ۱۲ ک ۵۶۲ - ایران ۷۹ و شماره موتور MT۴A۲W۳۳۶۷B و شماره شاسی N۳HKTAD۱CEEP۰۲۰۱۴ بنام آقاخان احمدی مفقود و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

« آگهی مناقصه عمومی یک مرحله ای با ارزیابی فشرده » نوبت اول

شرکت آب و فاضلاب استان خراسان رضوی در نظر دارد مناقصه عمومی یک مرحله ای با ارزیابی فشرده با موضوعات ذیل را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری فراخوان مناقصه عمومی، از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور ودریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند. تاریخ انتشار فراخوان در سامانه ۱۴۰۵/۰۳/۱۷ می باشد . اطلاعات واسناد و دعوتنامه مناقصه عمومی موضوع فوق الذکراز طریق سامانه ستاد به مناقصه گران ارسال خواهد شد.

ردیف	موضوع مناقصه	شماره فراخوان	مبلغ برآورد کار (ریال)	مهلت دریافت اسناد مناقصه	مهلت تحویل پیشنهادها
۱	تجدید برون‌سپاری فعالیت‌های بهره‌برداری و نگهداری از تاسیسات آب شرب امور آب و فاضلاب شهرستان زبرخان	۲۰۰۵۰۰۱۴۴۶۰۰۰۰۳۳	۷۶/۰۱۹/۴۵۵/۰۶۴	۱۴۰۵/۰۳/۲۱	۱۴۰۵/۰۴/۰۹
۲	برون‌سپاری فعالیت‌های بهره‌برداری و نگهداری از تاسیسات آب شرب امور آب و فاضلاب شهرستان درگز	۲۰۰۵۰۰۱۴۴۶۰۰۰۰۷۵	۱۱۹/۳۱۴/۶۵۷/۷۶۲		
۳	تجدید برون‌سپاری فعالیت‌های بهره‌برداری و نگهداری از تاسیسات آب شرب امور آب و فاضلاب شهرستان خلیل آباد	۲۰۰۵۰۰۱۴۴۶۰۰۰۰۷۴	۴۹/۱۳۰/۸۹۲/۳۷۵		

دفتر روابط عمومی و آموزش همگانی شرکت آب و فاضلاب استان خراسان رضوی سایت اینترنتی : www.abfakhorasan.ir

آگهی مفقودی ۱۴۰۵۰۴۵۶۳